

بخش سوم از گزارش دو دهه مناسبات امریکا، با عراق و ایران

آن ها که باید گذشته خود را با گذشته صدام مقایسه کنند ترجمه بایرام منصوری

سرمایه داری هیچ دوستی ندارد جز منافع. این سخن فراموش نشدنی دیزرائیلی که روزگاری برای انگلستان گفته بود امروز مصداق آشکاری در ارتباط با صدام حسین و عراق یافته است. دو دهه دوستی کاخ سفید با صدام حسین، آنجا که دیکتاتور بغداد دیگر ارزش مصرف خود را از دست داد، به پیشیزی خریدار شد. صدام که روزگاری مهم ترین کاربستان کنونی کاخ سفید به دیدارش می شتافتند و در بغداد دستش را می فشردند امروز اگر در تکریت (زادگاه صدام) نیز پنهان شده باشد بمب بر سرش ریخته می شود! شهری که خبرگزاری ها گزارش داده اند امریکا بخش وسیعی از آن را با خاک یکسان کرده و همه نوع بمبی را بر آن فرو ریخته؛ از جمله "مادر بمب" را!

در تمام آن دو دهه ای که صدام در کاخ های خود با مقامات امریکائی در حد محارم خویش مذاکره می کرد و اکنون اسناد آن در خود امریکا منتشر شده، مردم عراق نامحرم و بیگانه بودند و اجازه نیافتند بدانند چه کسی به فرودگاه بغداد وارد می شود و چه کسی خارج. آن که می آید کیست و در پی چیست و آنکه می رود از کجا آمده بود و به کجا می رود. سانسور مطلق چند روزنامه ای که در بغداد منتشر می شد، توقیف تمام روزنامه ها و نشریاتی که در زمان عبدالکریم قاسم و حتی در دوران کوتاه ریاست جمهوری "حسن البکر" در عراق منتشر می شد و نوید دمکراسی و آزادی را در عراق می داد. صدام آمد تا نفس این روزنامه را ببرد که برید. او آمد که احزاب را ممنوع اعلام کند که کرد، آمد که رهبران حرب کمونیست عراق را بکشد که دو نسل آن ها را قتل عام کرد، آمد که جنبش مترقی کردهای عراق را سرکوب کند و به خاک و خون بکشد که کشید، آمد تا حزب اقلیت "بعث" را بر سراسر عراق حاکم کند که کرد، آمد که عراق را بدست خودی های اهل تکریت بسپارد و غیر خودی ها را از حاکمیت براند و آن ها را انسان های درجه دوم اعلام کند که کرد. آمد و بر قدرت ماند تا در بزرگترین ماجراجویی های منطقه ای نقش باز کند که کرد: **تجاوز به خاک ایران و تصرف کوتاه مدت کویت!**

و اکنون زمان مصرف صدام حسین به پایان رسیده است. رامسفلد وزیر دفاع امریکا که روزگاری دوست صدام بود فرمان بمباران مهیب تکریت را صادر کرد تا نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان!

کافی است در حاکمیت جمهوری اسلامی کسانی گذشته 24 ساله خود را مرور کنند، دوستی با شبکه های جهانی خرید اسلحه در سطح جهان را بخاطر آورند، دیدار با مک فارلن در تهران را به یاد آورند، بستن و توقیف مطبوعات و زندانی کردن اهل قلم را مرور کنند، به جنگ در کردستان ایران و تحمیل قوانین شریعت شیعه به اهل تسنن این منطقه بیاندیشند، به کشتار در زندان ها و ترورهای سیاسی داخل و خارج از ایران اندیشه کنند، به ده ها تصفیه توام با مرگ و نابودی در حاکمیت (از ترور آیت الله مطهری تا ترور صیادشیرازی و حجاریان) اندیشه کنند. آن ها، کافی است لجاجت کنونی خود با رای و نظر مردم برای تغییرات اساسی در ترکیب حاکمیت انتصابی و غیر انتصابی جمهوری اسلامی را با لجاجت صدام در ادامه روشی که داشت مقایسه کنند، آنچه صدام حسین با "حسن البکر" کرد را با

آنچه با آیت الله منتظری شد مقایسه کنند و سپس با صداقت و با صدای بلند بگویند به چه نتیجه ای رسیده اند و چه می خواهند بکنند؟

بخش سوم گزارش مربوط به اسناد دو دهه مناسبات امریکا با ایران و عراق، شرح حیرت انگیز مناسبات پنهان صدام با امریکائی ها و در بی خبری نگهداشتن مردمی است که امروز بمب بر سرشان فرو ریخته می شود!

بخش سوم

سند 29- از ویلیام ایگلتنون رئیس بخش حافظ منافع آمریکا در عراق به سفارت آمریکا در اردن

موضوع- ملاقات دونالد رامسفلد با طارق عزیز و صدام حسین - 14 دسامبر 1983
پیام ایگلتنون تاکید می کند که ملاقات آینده دونالد رامسفلد، فرستاده رئیس جمهوری، نخستین ملاقات يك مقام اجرائی آمریکا به شمار می رود؛ بنابراین هدف اصلی باید برقراری يك دیالوگ و تهیه يك گزارش شخصی باشد. در این ملاقات رامسفلد ضمن تاکید بر رابطه نزدیک با پرزیدنت ریگان در مورد مسایلی چون جنگ ایران و عراق صحبت خواهد کرد (از نظر ایالات متحده شکست عراق در جنگ با ایران، شکستی استراتژیک برای غرب به شمار خواهد رفت). علاوه بر این ایجاد امکانات برای تاسیس خطوط نفتی برای عراق به منظور گسترش امکانات صادرات بیشتر نفت، مسئله لبنان، سوریه، تقویت روابط میان مصر و عراق و تهدید تروریسم که هر دو کشور را هدف می گیرد، میان این دو تن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سند 30 - از جکسون راب، سفارت ایالات متحده در ایتالیا به وزارت امور خارجه
موضوع- مذاکرات همه جانبه تر رامسفلد با طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق - 19 و 20 دسامبر 1983
دونالد رامسفلد در ملاقاتی با طارق عزیز و دیگر مقامات رسمی عراق تاکید نمود که ایالات متحده و عراق در برخی موارد اختلاف نظر و در برخی سطوح منافع مشترک دارند. طارق عزیز می گوید که وی با بخشی از نامه ریگان به صدام حسین که در آن آمده است، جنگ ایران و عراق می تواند مشکلات جدی در سر راه منافع اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و دوستانش در منطقه و در جهان آزاد ایجاد کند، کاملاً موافق است.

سند 31 - از چارلز پرایس در سفارت ایالات متحده در بریتانیا به وزارت امور خارجه
موضوع- ماموریت رامسفلد: ملاقات 20 دسامبر با صدام حسین - 21 دسامبر 1983
صدام حسین در ملاقاتی 90 دقیقه ای با دونالد رامسفلد مراتب "خشنودی آشکار" خود را از نامه ریگان که توسط رامسفلد تسلیم شد اعلام داشت. این دو شخصیت راجع به مسایلی چون لبنان، فلسطین، مخالفت با نتایج جنگ ایران و عراق که "نقش عراق را تضعیف کرده و یا منافع و جاه طلبی ایران را تقویت نموده" و تلاشهای ایالات متحده برای جلوگیری از فروش اسلحه به ایران به مذاکره پرداختند. رامسفلد می گوید که ایالات متحده بشدت راجع به تروریسم حساسیت دارد و معتقد است که مرکز تروریسم ایران، سوریه و لیبی می باشد و از سوی اتحاد شوروی پشتیبانی می شود. او از ترتیباتی حمایت می کند که بر اساس آن راه های دیگری برای ارسال نفت عراق در نظر گرفته شود که شامل خطوط لوله نفتی است که از عربستان می گذرد و از طریق بندر عقبه به اردن می رسد. وزارت امور خارجه این مذاکرات را "بسیار مثبت" می خواند.

سند 32 - از چارلز پرایس در سفارت آمریکا در بریتانیا به وزارت امور خارجه
موضوع - ملاقات تک نفره رامسفلد با معاون نخست وزیر عراق - 21 دسامبر 1983

دونالد رامسفلد، فرستاده رئیس جمهور آمریکا و طارق عزیز در ملاقاتی 2.5 ساعته موافقت می کنند که ایالات متحده و عراق منافع مشترك بسیاری دارند که شامل صلح در خلیج فارس، **تمایل به از میان بردن ایران و سوریه** و وارد کردن مجدد مصر به جرگه کشورهای عربی که پس از برقراری صلح با اسرائیل دچار انزوا شده اس. رامسفلد با مذاکره در مورد صادرات نفت عراق، به تسهیلاتی در مورد احداث خطوط نفتی عراق اشاره می کند و ضمن مخالفت با تروریسم بین المللی، از صلحی عادلانه میان اعراب و اسرائیل حمایت بعمل می آورد. رامسفلد و طارق عزیز در زمینه "جزئیات" جنگ ایران و عراق به مذاکره پرداختن. رامسفلد می گوید که دولت آمریکا خواهان پایان جنگ است و آمادگی خود را "در تلاش برای رسیدن به این هدف" اعلام می دارد. او پس از اشاره به سلاح های شیمیایی، احتمال گسترش جنگ در خلیج(فارس) و حقوق بشر به عنوان مانعی بر سر راه تمایل آمریکا در کمک به عراق، صحبت خود را به مخالفت نقش سوریه در لبنان می کشاند.

سند 33 - از ریچارد مورفی از اداره معاونت وزارت امور خارجه در امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی به لارنس ایگلبرگر

موضوع - وام بانک صادرات و واردات به عراق به انضمام نامه لارنس ایگلبرگر به ویلیام دریبر مورخ 24 دسامبر 1983

وزارت امور خارجه در پیگیری سیاست دولت ریگان در افزایش حمایت از عراق از لارنس ایگلبرگر، معاون وزارت امور خارجه در امور سیاسی می خواهد تا بانک صادرات و واردات آمریکا را وادار کند تا امکانات مالی در اختیار عراق قرار دهد. ایگلبرگر با ارسال نامه ای به امضاء خود به بانک صادرات و واردات اشعار می دارد که از آنجا که صدام حسین با تقاضاهای ایالات متحده موافقت کرده است و اعلام داشته است که کمکهایی خود را به گروههای عمده تروریستی که مورد نظر آمریکا هستند قطع کرده و ابونزال را اخراج کرده است؛ بنابراین مسئله تروریسم دیگر نباید مانعی برای بانک صادرات و واردات آمریکا در فروش مصنوعات آمریکایی به عراق باشد. وام مذکور نشاندهنده اعتماد آمریکا به قدرت اقتصادی آینده عراق است که می تواند تضمینی برای وجود بازار بزرگی در عراق باشد و حمایت عملی آمریکا را نشان می دهد.

سند 34 - از کنت دام از وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا در اردن

موضوع - ماموریت رامسفلد: ملاقات با ملك حسين در لندن

دونالد رامسفلد سفیر سیار پرزیدنت ریگان در ملاقات با ملك حسين در لندن راجع به دورنمای پیشرفت و توسعه روابط ایالات متحده و عراق با وی به مذاکره می پردازد. رامسفلد در ملاقات با پادشاه اردن گزارشی از مذاکراتش با صدام حسین و طارق عزیز را تسلیم وی می کند و می گوید که "آنها در سطوح بیشتری با ما توافق داشتند تا مخالفت" وی همچنین راجع به وضعیت احداث خط لوله نفت عراق به بندر عقبه با ملك حسين مذاکره می کند.

ایالات متحده از اوایل تا اواسط دهه هشتاد تلاشهای بسیاری برای احداث چنین خط لوله ای بخرج داد. این خط لوله نفت عراق را از شمال این کشور به خلیج عقبه می رساند و تاثیر توقف جریان نفت عراق را که ناشی از حمله ایران به تاسیسات حمل و نقل نفت در خلیج فارس بود و نیز بستن يك خط لوله نفتی توسط سوریه که نفت عراق را به این کشور می رساند به حداقل رساند. پیشنهاد احداث چنین خط لوله ای ناشی از نگرانی شدید آمریکا در مورد تهدید عرضه جهانی نفت در نتیجه جنگ جاری ایران و عراق بود.

ایالات متحده بسیاری از شرکتهای چند ملیتی آمریکایی را در این پروژه سهیم نمود. بروس راپاپورت، يك وام دهنده بین المللی و ویلیام کیسی، رئیس سیا، شخصیت محوری این قرارداد بودند.

(گزارش نهایی دادستان مستقل آمریکا در مورد "اسلحه در مقابل گروگان ها" ایران - کنتررا نشان می دهد که بانک راپاپورت در ژنو به طرز مرموزی مبلغ ده میلیون دلار از سلطان برونئی برای تامین مالی کنتراهای نیکاراگوه دریافت کرد که این مبلغ بطور ناگهانی ناپدید شد. راپاپورت چنین گزارشی را انکار کرد؛ اما گزارش نهایی می گوید که این مسئله حل نشده باقی ماند. از وی دعوت شد تا در سال 1999 در کمیته بانکداری مجلس نمایندگان آمریکا شهادت دهد. این دعوت در رابطه با گزارشی صورت گرفت که حاکی از فساد در انتقالات مالی یک کمپانی روسی بود. راپاپورت در این جلسه شرکت نکرد) پروژه تاسیس خط لوله نفتی مذکور بسیار پیچیده بود و ضمانت امنیتی اسرائیل را لازم داشت، چرا که این خط لوله می توانست هدف حمله اسرائیلی ها قرار گیرد. اسرائیل متقابلاً از آمریکا خواست تا تضمین کند که تاسیسات مربوط به این خط لوله آسیبی به محیط زیست وارد نیابد.

تمام کشورهای درگیر در این پروژه منافع خاص خود را دنبال می کردند. از نظر عراق این پروژه در واقع نشانه ای از بهبود در روابط ایالات متحده و عراق بشمار می رفت. آنها خواستار کمک های مالی و غیرمالی هرچه بیشتر آمریکا در این زمینه بودند. از نظر ایالات متحده این پروژه یک خروجی نفت مطمئن و آلترناتیو بشمار می رفت که می توانست منافع عراق را با منافع اردن و اسرائیل پیوند زند و هماهنگ با طرح های آمریکا در زمینه ایجاد کنسرسیومی از کشورهای عربی بود که با آمریکا همکاری می کردند و مایل به حل مناقشه فلسطین و اسرائیل به روش آمریکا بودند. اسرائیل می توانست از تاسیسات و امکانات نفتی در همسایگی اش بهره گیرد و از سوی دولت ریگان نیز مورد حمایت قرار گیرد. همچنین براساس اسناد اداره "ادموند میس" از دوستان دولت ریگان و دادستان عالی ایالات متحده، وی بخاطر روابط نزدیک با اسرائیل می توانست تضمین هایی برای بازپرداخت وام های دولت این کشور و حزب کارگر آن مقرر دارد.

تلاش هایی که بمنظور توافق همه جانبه در مورد ایجاد چنین خط لوله ای صورت گرفته بود عقیم ماند تا اینکه چند شرکت خصوصی که از احداث خطوط لوله مذکور پشتیبانی می کردند در مورد انگیزه های طرف درگیر با سئوالاتی روبرو شد. با اینحال در سال 2000 عراق به خاطر آنچه که منافع استراتژیک نام داشت این پروژه را بار دیگر مطرح کرد. (از جمله دلایل حمله آمریکا به عراق تاسیس همین خط لوله است - مترجم)

سند 35- از ویلیام ایگلتن از بخش حافظ منافع آمریکا در عراق به وزارت امور خارجه آمریکا

موضوع: پیگیری ملاقات رامسفلد با مقامات عراقی - 26 دسامبر 1983

برای پیگیری مذاکرات رامسفلد در بغداد، ویلیام ایگلتن با محمد الصحاف معاون وزارت امور خارجه عراق ملاقات کرد. ایگلتن در این ملاقات ضمن بحث راجع به تلاش های ایالات متحده در هماهنگی سیاسی اش در قبال جنگ ایران و عراق با کشورهای حوزه خلیج فارس، از مبارزات این کشور درتوقف فروش اسلحه به ایران صحبت کرده و اظهار امیدواری کرد که صادرات نفت عراق افزایش یابد. او از میزان علاقه و منافی که در رابطه با وضعیت اقتصادی عراق مورد نظر ایالات متحده امریکاست صحبت می کند و تجدید نظر در سیاست رسمی آمریکا که از سوی رامسفلد به اطلاع مقامات عراقی رسید را مجدداً تکرار می کند.

ایگلتن می گوید: "سفر رامسفلد روابط موجود میان ایالات متحده و عراق را به سطح تازه ای ارتقاء داده است. این تغییر از لحاظ سمبولیک مهم و از لحاظ عملی مفید می باشد."